

## **Analytical Typology of Doubts Raised by Opponents of Raj'ah (Return)**

---

**Khodamorad Salimian \***

---

Received Date: 2024/11/29

Accepted Date: 2024/12/30

“Typology” as a fundamental principle in research, especially in the humanities, has gained a central position. This approach, by creating a conceptual framework, enables researchers to systematically categorize phenomena based on logical principles and correlated patterns, providing a deeper understanding of the subjects under study.

In the field of Mahdism studies, the belief in Raj'ah (return) of some deceased individuals during the era of the appearance of the promised Mahdi (aj) as one of the distinctive beliefs of Twelver Shi'ism has consistently been the subject of numerous disputes and criticisms in rational, Quranic, theological, and hadith-related dimensions.

Despite research conducted on examining doubts related to Raj'ah, a comprehensive typology of these doubts has not yet been presented. Since the typology of doubts is a necessary step in the process of systematic and coherent response to them, developing an accurate classification of types of doubts is an essential prerequisite for any effective response.

The present article, using a descriptive-analytical method, while examining a collection of doubts raised by opponents, presents a general schema of the main types of these doubts.

**Keywords:** *Raj'ah (return), Doubts, Typology, Opponents, Deniers.*

---

\* Associate Professor, Research Institute for Islamic Sciences and Culture (kh.salimian@isca.ac.ir).

نصف سنوية علمية محكمة  
مطالعات شبهه پژوهی  
السنة الثانية، الرقم الخامس، الخريف والشتاء ١٤٤٥ اق

## التصنيف التحليلي لشبهات معارضي الرجعة

خدا مراد سليميان\*

القبول: ١٤٤٦/٦/٢٨

الإستلام: ١٤٤٦/٥/٢٧

"«النهج التصنيفي» كمبدأ أساسي في البحوث، وخاصة في مجال العلوم الإنسانية، قد أصبحت له مكانة محورية ومركزية. ومن خلال إنشاء إطار مفاهيمي، يمكن هذا النهج الباحثين من تصنيف الظواهر بشكل منهجي بناءً على المبادئ المنطقية والأنماط المترابطة، ويوفر فهماً أعمق للقضايا المعروضة للبحث والدراسة. في مجال الدراسات المهدوية، إن الاعتقاد برجعة بعض الموتى أثناء ظهور المهدي الموعود عليه السلام، كأحد العقائد المميزة للشيعرة الإمامية، كان وما زال موضوعاً مثيراً للعديد من الجدل والانتقادات في الأبعاد العقلانية والقرآنية والكلامية والحديثية. وعلى الرغم من البحوث والدراسات التي أجريت بشأن دراسة الشبهات المتعلقة بعقيدة الرجعة، إلا أنه لم يتم تقديم تصنيف شامل لهذه الشبهات حتى الآن. وبما أن تصنيف الشبهات هو خطوة لازمة في عملية الرد المنهجي والمتناسك عليها، فإن التصنيف الدقيق لأنواع الشبهات هو شرط أساسي لأي رد فعال. فباستخدام المنهج الوصفي التحليلي، درس هذا البحث مجموعة من الشبهات التي أثارها المعارضون وقدم مخططاً عاماً لأنواع الرئيسية لهذه الشبهات.

الكلمات المفتاحية: عقيدة الرجعة، الشبهات، النهج التصنيفي، المعارضون، المنكرون.

# گونه‌شناسی تحلیلی شبهات مخالفان رجعت

خدا مراد سلیمیان\*

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۹/۹ تاریخ تأیید: ۱۴۰۳/۱۰/۱۰

## چکیده

«گونه‌شناسی» به عنوان یک اصل اساسی در پژوهش به‌ویژه در علوم انسانی، جایگاه محوری یافته است. این رویکرد با ایجاد چهارچوبی مفهومی، پژوهشگران را قادر می‌سازد پدیده‌ها را بر پایه اصول منطقی و الگوهای همبسته به صورت نظام‌مند دسته‌بندی کنند و درک عمیق‌تری از موضوعات مورد مطالعه ارائه دهند.

در حوزه مطالعات مهدویت، اعتقاد به رجعت (بازگشت) برخی از مردگان در دوران ظهور مهدی موعود<sup>عج</sup> به عنوان یکی از باورهای شاخص شیعه امامیه، همواره موضوع مناقشات و نقدهای متعددی در ابعاد عقلانی، قرآنی، کلامی و حدیثی بوده است.

با وجود پژوهش‌های انجام‌شده درباره بررسی شبهات مربوط به رجعت، تاکنون گونه‌بندی جامعی از این شبهات ارائه نشده است. از آنجاکه گونه‌شناسی شبهات، گامی بایسته در فرآیند پاسخ‌گویی نظام‌مند و منسجم به آنها محسوب می‌شود، تدوین یک طبقه‌بندی دقیق از انواع شبهات، پیش‌نیاز اساسی هرگونه پاسخ‌گویی مؤثر است.

مقاله حاضر با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی، ضمن بررسی مجموعه‌ای از شبهات مطرح‌شده توسط مخالفان، به ارائه طرح‌واره‌ای کلی از گونه‌های اصلی این شبهات می‌پردازد.

واژگان کلیدی: رجعت، شبهات، گونه‌شناسی، مخالفان، منکران.

## مقدمه

باور به رجعت، یکی از اعتقادات بنیادین و ویژه شیعه امامیه به شمار می آید. بر پایه احادیث معصومان علیهم السلام (ر.ک: حرّ عاملی، ۱۳۶۲) و دیدگاه اندیشمندان و شخصیت‌های برجسته و معتبر شیعه (ر.ک: طبسی نجفی، ۱۳۸۴)، توافق عمومی وجود دارد که دو دسته از مردگان - مؤمنان خالص و کافران خالص - پس از ظهور حضرت مهدی علیه السلام با همان بدن‌هایی که با آنها زندگی کرده و از دنیا رفته‌اند، به زندگی دوباره بازمی‌گردند.

این بازگشت به گونه‌ای است که مؤمنان از برپایی حکومت عدل جهانی خوشحال خواهند شد و بزرگی و بزرگواری خواهند یافت، در حالی که کافران از رنج و کیفر ناشی از نابودی ستمگران رنج خواهند برد. گروه نخست، به درجاتی از کمال دست خواهند یافت و زندگی سرشار از شادمانی را تجربه خواهند کرد، در حالی که گروه دوم کیفرهای سخت دنیایی را تحمل خواهند نمود.

در این باره مجموعه‌ای گسترده از احادیث در مورد رجعت وجود دارد که برخی از آنها به اندازه‌ای قابل توجه است که حتی فراتر از تواتر بر آن تأکید شده است (مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۵۳، ص ۱۲۳). همچنین برخی احادیث، اعتقاد به رجعت را به عنوان یکی از شرایط بنیادین ایمان معرفی کرده‌اند و منکران آن را از دایره تشیع خارج می‌دانند (ابن بابویه، ۱۴۱۲ ج ۳، ص ۴۵۸، ح ۴۵۸۳).

توجه ویژه پیشوایان معصوم علیهم السلام به جایگاه این باور، سبب شده است شیعیان همواره به دنبال افزایش آگاهی و بصیرت نسبت به این عقیده باشند. این تلاش‌ها نه فقط از طریق متون دینی، بلکه با نگارش آثار پُر شمار در این باره به روشنی نمایان است و نشان‌دهنده عزم راسخ اهل ایمان به کسب دانش بیشتر در مورد این اعتقاد بنیادین است.

در برابر تلاش‌های پیوسته در تبیین این باور سترگ، شبهه‌پراکنی از سوی مخالفان و منکران علیه باور رجعت، دیرینه‌ای به سابقه همین اعتقاد دارد. البته این شبهات به اقتضای شرایط در دوران معاصر در نگاشته‌هایی پُر شمار، شتاب بیشتری به خود گرفته و بسیار گسترده شده است. آثاری همچون «الشیعة الإمامية الأثناعشرية في ميزان الإسلام» نوشته ربیع بن محمد السعودی، «الصلة بين التصوف والتشيع» نوشته کامل مصطفی الشیبی، «جهود أبي الثناء الألوسی في الرد على الرافضة» اثر عبدالله بخاری، «ضحی الإسلام» نوشته احمد امین، «أصول مذهب الشيعة الإمامية الأثناعشرية» از ناصر بن عبدالله بن علی القفاری، «أثر التشيع على الروايات التاريخية في القرن الأول الهجري» از دکتر عبدالعزیز محمد نور ولی، «الشيعة و تحريف القرآن» از محمد مال الله، «الشيعة والسنة» نوشته احسان الهی ظهیر، «الشيعة والتشيع» از احسان الهی ظهیر، «فجر الإسلام» از احمد امین، «الخميني والوجه الآخر في ضوء الكتاب والسنة» نوشته زید عیص و

آثاری مانند آن، اندکی از آن بسیار است که گویا رسالت همگی آنها در مخالفت و انکار باورهای امامیه به‌ویژه بحث رجعت تعریف شده است.

اگرچه در طول تاریخ، بزرگان شیعه بیشترین کوشش خود را بر نقل احادیث معطوف کرده‌اند (ر.ک: حیدر زیدی، ۱۳۹۳)، ولی همواره کوشیده‌اند تا به شبهات درباره عقاید و آموزه‌های شیعه امامیه پاسخ دهند (ر.ک: رکنی لموکی، ۱۳۹۷). در پژوهش‌ها و آثار اندیشمندان امامیه، به نوشته‌هایی می‌توان اشاره کرد که به‌طور کامل یا جزئی پاسخ‌گویی به شبهات مخالفان و دشمنان در بحث رجعت اختصاص داشته‌اند.

اهمیت رودررویی با شبهات بدان‌جهت است که جامعه کنونی با انبوهی از شبهات ازسوی مخالفان و منکران روبه‌رو می‌باشد. این وضعیت آنان را ناگزیر کرده است با شناسایی انواع شبهات و راهکارهای مقابله با آنها، از طریق چنگ‌زدن به سخنان معصومان<sup>علیهم‌السلام</sup> و آموزه‌های دانشمندان شیعه، فرد و جامعه خود را برای رودررویی با این چالش‌ها آماده سازند. با این حال مسئله‌ای که تاکنون کمتر بدان پرداخته شده است، بررسی شبهات و پاسخ‌ها از نگاه بیرونی و درجه دوم می‌باشد؛ یعنی تمرکز بر روش‌شناسی، گونه‌شناسی و تبارشناسی این شبهات، به‌جای صرفاً ارائه پاسخ. اگرچه در نوشتار حاضر تمرکز بحث فقط بر گونه‌شناسی خواهد بود.

پژوهش‌های فراگیر و گسترده نشان می‌دهد که باوجود شمار فراوانی از کتاب‌ها و مقالات درباره بررسی و تحلیل شبهات، اثری که به‌طور ویژه به چنین رویکردی پرداخته باشد، یافت نشده است. در میان آثار فقط برخی به‌مناسبت به بخش‌هایی از این بحث اشاره کرده‌اند؛ مانند آنچه اصغر بهمنی باعنوان «پاسخ به شبهات رجعت» نگاشته است و از مقالات نیز به موارد ذیل می‌توان اشاره کرد: «پیشگویی رجعت در آخرالزمان در تورات، انجیل و قرآن کریم» نوشته رضا برنجکار و «نقد ادعای وام‌گیری باور رجعت در میان شیعه امامیه از زرتشتیان ایرانی» نوشته احمد جمشیدیان. برخی پایان‌نامه‌ها نیز به این موضوع پرداخته‌اند؛ مانند: «بررسی تطبیقی رجعت از دیدگاه قرآن و اهل کتاب» از محبوبه مهرپویا و «رجعت در اسلام و مقایسه آن با آخرالزمان در یهودیت و مسیحیت» از مصطفی بابایی.

ویژگی مقاله پیش رو، بازنمایی و گونه‌شناسی شبهات رجعت است؛ ازاین‌رو پرداختن به پاسخ این شبهات را به آثار مربوط وانهاده‌ایم؛ بنابراین تنوع مباحث، اهمیت موضوع و گوناگونی مطالب در حوزه پاسخ به شبهات، نیازمند برگزیدن یک رویکرد علمی منسجم است. ازاین‌منظر به «هنر مدیریت شبهه» نیز می‌توان اشاره کرد. در عصری که مخالفان به‌صورت هدفمند به طرح شبهات علیه مفهوم رجعت اقدام می‌کنند، بایسته است که دفاع از این اعتقاد به شیوه‌ای روش‌مند انجام

شود و پاسخ‌گویی به شبهات بر پایه این الگو دنبال گردد.

یکی از مؤثرترین عناصر در این فرآیند، پرداختن به گونه‌شناسی و تبارشناسی شبهات پیش از هرگونه دفاع و پاسخ‌گویی است. این کار با بهره‌گیری از روش‌های گوناگون از جمله روش استقرایی صورت می‌گیرد. در این رویکرد، نخست داده‌ها از منابع گوناگون گردآوری و سپس بر پایه الگوهای همسان و وجوه همانند، به دسته‌ها و زیرگروه‌ها صورت‌بندی می‌شوند. در مقاله حاضر، این روش برای صورت‌بندی شبهات به کار گرفته شده است؛ بدین‌گونه که نخست شبهات از منابع گوناگون گردآوری و سپس با رعایت قواعد گونه‌بندی، به صورت منظم دسته‌بندی شده‌اند.

پیش از پرداختن به بحث، دو مطلب بایسته ذکر است:

الف) شبهه درحقیقت به‌عنوان نوعی گره فکری و انحراف در ذهن شناخته می‌شود که بیشتر با هدف به‌چالش کشیدن یا آسیب‌زدن به اعتقادات فرد یا گروهی ایجاد می‌شود. برای ایجاد و گسترش شبهه، شماری عناصر و ارکان وجود دارند که سبب می‌شوند ذهن مخاطب به‌طور مؤثرتری درگیر شود. این ارکان دربردارنده موارد ذیل است:

۱. استدلال محوری: شبهه باید به‌گونه‌ای طراحی شود که به‌ظاهر دارای استدلال منطقی یا عقلانی باشد تا بتواند مخاطب را به خود جذب کند.
۲. شبهه‌نمایی به‌صورت حقیقت: باید به‌گونه‌ای حق‌نما باشد؛ یعنی شبهه به‌گونه‌ای نمایانده شود که درست و معتبر به‌نظر برسد؛ حتی اگر پایه‌های آن سست باشد.
۳. پیچیدگی در فهم: درک و فهم شبهه باید به‌گونه‌ای عمدی دشوار باشد تا مخاطب به راحتی نتواند آن را تحلیل یا ردّ کند.
۴. نبود دلایل استوار و روشن: باید وضعیتی فراهم کند که مخاطب نتواند به راحتی به دلایل‌های استوار و روشن برای ردّ شبهه دسترسی یابد.
۵. سوء نیت شبهه‌گر: فرد یا گروهی که شبهه را فراهم می‌کنند، بیشتر دارای نیت نادرست یا مغرضانه‌اند که به دنبال ایجاد سردرگمی یا بی‌اعتمادی در مخاطب‌اند.

با درنظرگرفتن این ارکان، فهم و تحلیل شبهه نیازمند دقت و بررسی ژرف است تا بتوان به‌گونه‌ای مؤثر بدان پاسخ داد و از تأثیرات منفی احتمالی آن جلوگیری کرد؛ بنابراین در بسیاری از موارد، شبهات با ارائه نادرست، همانند حقیقت جلوه‌گری می‌کنند و سبب می‌شوند باطل به‌صورت حق آشکار شود و برعکس؛ چنان‌که در کلام امیر مؤمنان علی علیه السلام نیز به این موضوع تأکید شده است: «إِنَّمَا سَمَّيْتُ السُّبُهَةَ سُبُهَةً لِأَنَّهَا تُشْبِهُ الْحَقَّ: شبهه را بدان جهت شبهه می‌گویند که شبیه حق است» (نهج البلاغه، خطبه ۳۷).

ب) اگرچه در جای خود به فراوانی درباره مفهوم‌شناسی رجعت سخن به میان آمده است (سلیمیان، ۱۴۰۱، ص ۸۱)، ولی مناسب است در اینجا به کوتاهی اشاره شود:

## ۱. واژه «رجعت» از نگاه لغت‌شناسان

واژه «رجعت» در زبان فارسی به معنای «بازگشت»، «بازگشتن» و «برگشتن» تعریف شده است (معین، ۱۳۸۶، ذیل واژه رجعت). به عبارتی این واژه به مفهوم «بازگشت به جایی که پیش‌تر در آن بوده» اشاره دارد.

در زبان عربی نیز این واژه بار معنایی مشابهی دارد و معنای گوناگونی برای «رجعت» گفته شده است. خلیل‌بن‌احمد، زبان‌شناس برجسته قرن دوم هجری، واژه «رجعت» را به‌عنوان باوری ازسوی گروهی از مردم مطرح کرده است (فراهیدی، ۱۴۱۴، ج ۱، ص ۲۲۵). اسماعیل بن حماد جوهری در کتاب **الصحاح**، «رجعت» را به معنای بازگشت و اعتقاد به آن را به‌عنوان «باور به بازگشت به دنیا پس از مرگ» توضیح داده است (جوهری، ۱۴۰۷، ج ۳، ص ۱۲۱۶). راغب اصفهانی در کتاب **مفردات ألفاظ قرآن**، رجوع را به معنای بازگشت به هرآنچه آغاز و شروع از آنجا بوده است، تعریف می‌کند و به دو معنای «بازگشت پس از طلاق» و «بازگشت به دنیا پس از مرگ» اشاره کرده، آن را باوری ازسوی برخی افراد تصور کرده است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۶، ص ۳۴۲). ابن‌اثیر در **النهاية**، «رجعت» را به معنای یک‌بار بازگشت تعریف کرده است (ابن‌اثیر، ۱۳۶۷، ج ۲، ص ۲۰۱).

در میان لغت‌شناسان شیعه، فخرالدین طریحی در **مجمع‌البحرین**، با استناد به آیات قرآن کریم و روایات، رجعت را به معنای «یک‌بار بازگشت پس از مرگ» در زمان ظهور امام مهدی عجل‌الله‌تعالی‌فی‌فرجه مطرح می‌کند و آن را به‌عنوان یکی از بایسته‌های مذهب امامیه معرفی کرده است (طریحی، ۱۳۷۵، ج ۴، ص ۳۳۵).

## ۲. واژه «رجعت» از نگاه اصطلاح

بر اساس باور شیعه امامیه، این نوع بازگشت به دنیا مختص مؤمنان و کافران خالص است (مفید، ۱۴۱۴، ص ۳۵)، تا مؤمنان از برپایی حکومت عدل جهانی شاد گردند و عزت یابند (مظفر، ۱۳۸۰، ص ۲۹۴) و کافران از ذلت و حقارت ستمگران دردمند شوند. گروه نخست، مرحله‌هایی از کمال را بگذرانند و گروه دوم، کیفرهای شدیدی ببینند (مکارم شیرازی و دیگران، ۱۳۶۲، ج ۱۵، ص ۵۵۵).

موضوع اصلی نوشتار حاضر بررسی همین معنا از رجعت خواهد بود، ولی پیش از آن به‌اجمال به تبارشناسی شبهات رجعت اشاره می‌شود.



### ۳. مخالفان و منکران رجعت

اگرچه بیشتر مخالفان و منکران رجعت را اهل سنت تشکیل می‌دهند، ولی از میان شیعیان امامیه که پس از آن به مذهب اهل تسنن گرویده‌اند نیز کسانی به مخالفت و درنهایت انکار رجعت پرداخته‌اند.

به نظر می‌رسد نخستین مخالفت‌ها با اعتقاد به رجعت و انکار آن به اواخر قرن نخست و اوایل قرن دوم هجری بازمی‌گردد. به طور خاص به روایتی از امام صادق علیه السلام می‌توان اشاره کرد که در آن، ایشان سه مرتبه گروه «قدریه» را به عنوان گروهی که به شدت با اعتقاد به رجعت مخالف‌اند، نام برده است (مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۵۳، صص ۶۷ و ۷۲). این سلسله مخالفت‌ها تا امروز ادامه داشته است.

در دوران امام صادق علیه السلام این مخالفت‌ها شدت بیشتری یافت؛ به گونه‌ای که همه مذاهب اهل سنت در مخالفت با عقیده رجعت، مواضع خویش را در برابر شیعه مشخص کردند. در این دوران، امام صادق علیه السلام با استفاده از استدلال‌های قوی و محکم، به دفاع از این باور پرداخت. شیخ مفید در کتاب *أوائل المقالات*، پس از تشریح اعتقاد شیعه به رجعت، تصریح می‌کند که گروه‌های گوناگونی همچون معتزله، خوارج، مرجئه، زیدیه و اهل حدیث، به انکار این اعتقاد امامیه پرداخته‌اند (مفید، ۱۴۱۴، ص ۴۶).

همان‌گونه که اشاره شد، به طور عمده اهل سنت باور به رجعت را مغایر با عقاید اسلامی می‌دانند و آن را نمی‌پذیرند. نویسندگان و تاریخ‌نگاران اهل سنت، افرادی را که به رجعت معتقدند، مورد انتقاد قرار می‌دهند و اعتقاد به رجعت را دلیلی برای ردّ و بی‌اعتباری روایت‌های آنان می‌دانند (قشیری، ۱۳۹۸، ج ۱، ص ۲۰). به نظر می‌رسد از دیدگاه آنها اعتقاد به رجعت با کفر و شرک برابری می‌کند (جمعی از علما، ۱۳۱۰، ج ۲، ص ۲۶۴) یا حتی بدتر از آن تلقی می‌شود؛ بر همین اساس با این باور، به انتقاد و هجمه علیه شیعیان می‌پردازند و آنها را با طرح شبهات فراوان مورد سرزنش و هجمه قرار می‌دهند.

مرحوم مظفر در نقد این دیدگاه تأکید می‌کند که این مسئله از اقسام دستاویزهای بی‌پایه و گمراه‌کننده‌ای است که فرقه‌های اسلامی آن را دستاویزی برای طعن و طرد یکدیگر قرار داده‌اند، ولی هیچ مجوزی که صحت این دستاویز را روشن کند، وجود ندارد؛ زیرا اعتقاد به رجعت، نه فقط هیچ‌گونه ایراد و خدشه‌ای در عقیده به توحید و نبوت وارد نمی‌سازد، بلکه هر دو عقیده را تقویت می‌کند؛ چراکه رجعت مانند حشر و نشر، دلیل قدرت کامل خداوند است و از امور غیرعادی و معجزه‌ای از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و اهل بیت علیهم السلام است. رجعت در حقیقت معجزه زنده کردن مردگان است؛ چنان‌که حضرت مسیح علیه السلام انجام می‌داد، ولی این رساتر، کامل‌تر و اعجازش بیشتر است؛ زیرا

رجعت وقتی انجام می‌گیرد که مردگان همه خاک شده‌اند (مظفر، ۱۳۸۰، ص ۱۲۰). علامه سیدمحمدحسین طباطبایی با اشاره به اینکه غیرشیعه یعنی اهل تسنن، اگرچه به ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه معترف‌اند و آن را به‌طور متواتر از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل کرده‌اند، می‌نویسد: «لیکن رجعت را انکار کرده و قول به رجعت را از مختصات شیعه پنداشته‌اند» (طباطبایی، ۱۳۶۵، ج ۱۵، ص ۵۵۸). اگرچه بخش عمده‌ای از مخالفان رجعت را اهل سنت تشکیل می‌دهند، ولی در میان شیعیان امامیه نیز کسانی بوده‌اند که به مخالفت با این عقیده برخاسته‌اند (فرید تنکابنی، [بی‌تا]، ص ۲۰۹). در پژوهش حاضر به تحلیل دلایل و زمینه‌های مخالفت هردو گروه پرداخته می‌شود تا به درکی جامع‌تر از مواضع گوناگون درباره اعتقاد به رجعت دست یابیم.

#### ۴. گونه‌شناسی شبهات رجعت

شبهات رجعت از منظر موضوع، به‌طور عمده در حوزه‌های عقلی، نقلی و تاریخی - فرهنگی تقسیم می‌شود.



##### ۴-۱. شبهات عقلی

برخی شبهات مربوط به رجعت، در ظاهر بحثی عقلی مطرح می‌شود. این‌گونه شبهات به‌طور عمده با این بیان مطرح شده است که رجعت، مستلزم بازگشت از فعل به قوه است. این شبهه این‌گونه تقریر شده است:

وقتی انسان از دنیا رفت و وارد برزخ شد، درحقیقت از جهان ماده به جهان ماوراء وارد شده و این خود سبب کمال او می‌شود؛ یعنی همه آنچه در او «بالقوه» بوده، به فعلیت رسیده است. حال چگونه ممکن است این روند واژگون شده، دوباره از فعلیت به قوه بازگردد؟ و البته این از نگاه عقل مُحال است (برقعی، [بی‌تا]، ص ۱۱۰-۱۱۲).

علامه سیدمحمدحسین طباطبایی صاحب المیزان، پس از تقریر شبهه (طباطبایی، ۱۳۶۵، ج ۲، ص ۱۶۰)، در پاسخ می‌نویسد: به دو گونه می‌توان پاسخ داد:

نخست اینکه محال‌بودن رجوع از فعل به قوه صحیح است، ولی کسی نگفته است که رجعت از این نوع می‌باشد؛ توضیح اینکه چنانچه دیده می‌شود، شبهه از یک صغرا و یک کبرا فراهم آمده و صغرا این است که لازمه رجعت و بازگشت، خروج از فعلیت به قوه بوده و کبرا خروج از فعلیت به قوه که محال است، اما کبرا کاملاً صحیح و مورد قبول است و کسی در آن شک ندارد، ولی آنچه باید بدان توجه شود، صغراست و باید از فعل به قوه باشد؛ زیرا وقتی عالم رجعت از سنخ معاد

شمرده شد، دیگر بازگشت به دنیایی که ما پیش از مرگ داشتیم، نخواهد بود، بلکه خود در طول رسیدن به کمال بوده و بازگشت، هیچ‌گونه کمالی را کم نخواهد کرد.

علامه طباطبایی در جایی دیگر با اشاره به اینکه «رجوع از فعل به قوه محال است» مطلب صحیح و غیرقابل انکاری است، می‌افزاید: ولی حرف در اینجاست که بازگشت مرده به زندگی دنیا (به‌طور اجمال) از مصادیق آن نیست (همان، ج ۱، ص ۱۵۸).

بستر و زمینه این شبهه از آنجا سرچشمه گرفته است که کسانی رجعت را همان تناسخ دانسته‌اند و چون در تناسخ (باطل) بازگشت از فعلیت به قوه تلقی شده است، پس در رجعت نیز این‌گونه بوده و به‌همین دلیل رجعت باطل است.

توضیح اینکه برخی، از شباهت‌های مطرح میان رجعت و تناسخ پنداشته‌اند که رجعت همانند تناسخ، مستلزم برگشتن از فعلیت به قوه و استعداد است؛ بدین‌بین که انسان پس از جدایی از جهان دنیا و ورود به جهان برزخ، در واقع از عالم طبیعت به عالم ماوراء وارد می‌شود و این امر در او کمال ایجاد می‌کند؛ یعنی همه آنچه در او بالقوه بود، به فعلیت رسید. اکنون اگر نفس بالفعل در رجعت بخواهد از عالم غیب به عالم ماده برگردد، لازم است آنچه برای او به فعلیت رسیده، دوباره بالقوه شود و این مسئله از منظر عقل محال است.

به‌نظر می‌رسد طرح این‌گونه شبهات از سوی منکران رجعت، پرده از فهم نادرست و ناقص آنان نسبت به مطالب عمیق فلسفی دارد. مناسب است کسانی که این دست شبهات را مطرح می‌کنند، به فراگیری مباحث عمیق عقلی و فلسفی بیشتر اهتمام داشته باشند.

## ۴-۲. شبهات نقلی

برخی منکران رجعت برای ردّ این اعتقاد، با طرح این شبهه که باور به رجعت در تناقض با قرآن کریم و سنت است، آن را باوری غیراسلامی معرفی کرده‌اند.

### ۴-۲-۱. تناقض با آیات قرآنی

در موارد فراوانی دیده شده است که منکران و مخالفان، افزون بر سرزنش باورمندان و گزارش‌گران احادیث رجعت، اصل این باور را باوری بیرون از آموزه‌های اسلامی معرفی کرده‌اند. اینان باور به رجعت را همسان با تکذیب آیات قرآن کریم و کفر می‌دانند و به‌روشنی بر این دیدگاه‌اند که باور به رجعتی که شیعه بدان معتقد است، چیزی نیست، مگر دروغ‌دانستن روشن آیات الهی و با طرح این تهمت ناروا افزوده‌اند: «البتّه این اولین تکذیب خداوند نیست، همان‌گونه

که آخرین افترا و دروغ بر خداوند نیز نخواهد بود» (مال الله، ۱۴۰۹، ص ۲۵).

منکران، رجعت را مخالف برخی آیات قرآن کریم دانسته‌اند و در مواردی به این آیات اشاره کرده‌اند؛ مانند:

زمخشری از بزرگان اهل سنت، در تفسیر آیه «الَّذِينَ كَفَرُوا كُفِّرُوا كُفْرًا أَهْلَكْنَا قَبْلَهُمْ مِنَ الْقُرُونِ أَنَّهُمْ إِلَيْهِمْ لَا يَرْجِعُونَ» (یس: ۳۱ و ۳۶)، با تکیه بر عبارت «أَنَّهُمْ إِلَيْهِمْ لَا يَرْجِعُونَ» و بر مبنای اینکه این عبارت آیه از نظر معنا بدل از عبارت «كُفِّرُوا كُفْرًا» است و معنایش آن می‌شود که نابودشدگان امت‌های گذشته به دنیا بازنگشته‌اند، باور قائلان به «رجعت» را مردود دانسته است و عقیده دارد پس از مرگ، رجعتی نخواهد بود.

سپس برای تأکید بر درستی نتیجه‌گیری خویش حدیثی را نیز به گزارش ابن عباس این گونه آورده است: «گروهی که گمان می‌کنند علی علیه السلام پیش از رستاخیز برانگیخته می‌شود، بدترین مردمان هستند؛ زیرا ما زناش را به ازدواج درآورده و میراثش را تقسیم نموده‌ایم» (زمخشری، ۱۴۰۷، ج ۴، ص ۱۴).

۱۴۵



یکی دیگر از منکران رجعت، آیه را این گونه ترجمه و تفسیر کرده است:

آیا این مردم نمی‌دانند که آن همه مردمان قرون گذشته را که ما پیش از اینان، آنان را هلاک کرده‌ایم، به‌سوی دنیا رجعت نخواهند کرد؟ حقیقتاً همه افراد بشر از گذشته و آینده در نزد ما یعنی در قیامت حاضر خواهند بود؛ اینکه کلمه «کر» تکثیری را روی کلمه «أَهْلَكْنَا» ذکر کرده، نکته‌اش این است که می‌خواهد بفهماند برنگشتن مردگان به‌سوی دنیا، چون از نوامیس حتمی خداوند است؛ لذا شما نیز مانند اینان خواهید بود؛ یعنی وقتی مُردید، دیگر به دنیا برنمی‌گردید، ولی برای اینکه به جزای اعمال خود رسیده باشید، همه شما را در روز قیامت نزد خود حاضر خواهیم کرد. این آیه به طوری که ملاحظه می‌شود، صریحاً نافی رجعت است (فرید تنکابنی، [بی‌تا]، ص ۲۰۹).

از دیگر آیاتی که در شبهه منکران رجعت به کار رفته، این آیه است که در آن می‌خوانیم:

وَحَرَّأُورَعًا عَلَى قَرِيْبَةٍ أَهْلَكْنَاهَا أَنَّهُمْ لَا يَرْجِعُونَ حَتَّىٰ إِذَا فُتِحَتْ يَأْجُوجُ وَمَأْجُوجُ وَهُمْ مِنْ كُلِّ حَدَبٍ يَنْسِلُونَ: و بر آبادی‌هایی که آنها را [به خاطر فساد و گناه] هلاک نمودیم، حرام است [که بازگردند] آنان باز نمی‌گردند، تا آن زمان که [راه بر] یأجوج و مأجوج گشوده شود و آنان از هر بلندی بتازند و به سرعت عبور کنند (انبیاء: ۹۵-۹۶).

منکران رجعت با استدلال به مضمون این آیه که هر یک از اهل دنیا و ساکنان روی زمین که ما آنها را می‌میرانیم، واجب است - یعنی سنت و خواست حتمی خداوند بر این جاری شده است - تا زمانی که این دنیا باقی است، به دنیا برنگردند، بلکه برای آنکه به سزای کارهای خود برسند،

بازگشت آنان فقط در جهان آخرت خواهد بود، تأکید می‌کنند که این معنا به‌طور روشن در ردّ رجعت است (فرید تنکابنی، [بی‌تا]، ص ۲۰۷).

معتقدان به این تعارض گفته‌اند: چنان‌که اعتقاد به رجعت مایه تضعیف اعتقاد به روز قیامت می‌شود و روشن می‌شود این - یعنی تضعیف اعتقاد به معاد - از جمله اهداف کسانی است که این اعتقاد را فراهم آوردند و آنها دوازده امامی‌ها بودند که آیات معاد را به رجعت تأویل کردند و از جمله تأثیرات این اعتقاد آن بود که برخی فرقه‌های منسوب به شیعه، معاد را انکار کردند و به تناسخ اعتقاد یافتند (قفاری، [بی‌تا]، ج ۳، ص ۹۲۶).

## ۲-۲-۴. نبود دلایل قوی روایی

یکی دیگر از گونه‌های شبهه برای ردّ و انکار رجعت، ادعای ضعف روایاتی است که شیعه با آنها رجعت را اثبات کرده‌اند. از کسانی که اعتبار روایات رجعت را به‌شدت مورد هجوم قرار داده و مخدوش دانسته است، به صاحب کتاب اسلام و رجعت می‌توان اشاره کرد. وی همه روایات رجعت را بر پایه کتاب بحار الأنوار، ۱۹۸ روایت دانسته است. به‌جز شش روایت که به اصطلاح «حسن» می‌داند، بقیه را ضعیف می‌شمارد و اظهار می‌کند:

... چنین اخباری بیش از دوسوم آن مرسل و مهمل و مجهول می‌باشد و بقیه‌اش هم روایتش به غلاة منتهی می‌گردد...؛ زیرا محتمل است آن [کسانی] که در آن روایات مرسله شده و همچنین آنانی که در آن روایات مجهول و مهمل، مجهول‌الحال و گمنام‌اند از غلاة بوده‌اند که موقعی برای اثبات و گسترش مذهب‌شان با یکدیگر تبانی کرده، این اخبار را از اساس جعل کرده باشند (فرید تنکابنی، [بی‌تا]، ص ۱۱۵-۱۱۶).

اما این اشکال که «بیش از دوسوم روایات رجعت مرسل و مهمل یا مجهول است و بقیه روایانش به غالبان می‌انجامد»، باتوجه به ادعای بزرگان فراوانی از شیعه در تواتر این احادیث، ازسویی و اینکه در خبر متواتر هیچ‌گونه نظر در احوال روایانش نمی‌شود، چون خبر آنها سبب یقین بوده، حجت و معتبر است، ازسوی دیگر خدشه در اعتبار سند وارد نخواهد بود.

علامه طباطبایی نیز با تأکید بر اینکه تواتر با مناقشه در تک‌تک احادیث باطل نمی‌شود (طباطبایی، ۱۳۶۵، ج ۲، ص ۱۶۱)، بررسی سندی را منتفی می‌داند.

البته پیش از ایشان بزرگانی مانند شیخ حرّ عاملی در این‌باره متواتر بودن خبر را سبب جبران ضعف سند می‌دانند و نیازی به بررسی تک‌تک روایان آن نمی‌دانند (حرّ عاملی، ۱۳۶۲، ص ۴۰۹).

پیش‌تر گفته شد، منکران رجعت نه فقط روایات رجعت، بلکه ناقلان رجعت را نیز بی‌اعتبار می‌دانند. اینان اگر شخصی قابل اعتبار و بزرگ در میان همه اعتقادات خود، به رجعت نیز اعتقاد

داشت، تمامی آن اعتبار، تحت الشعاع این اعتقاد قرار می‌گرفت.

### ۴-۳. شبهات تاریخی - فرهنگی

این دسته از شبهات، با استناد به منابع تاریخی و فرهنگی می‌کوشند ریشه‌های عقیده به رجعت را با باورهای غیراسلامی مرتبط سازند و بدین ترتیب اصالت اسلامی این عقیده را زیرسؤال ببرند. این شبهات شامل موارد ذیل است:

#### ۴-۳-۱. شبهات مرتبط با ساختگی بودن رجعت

برخی منکران رجعت با القای این پندار که اعتقاد به رجعت از افکار عبدالله بن سبا یهودی‌ال‌أصل پدید آمده است، در خدشه در این باور کوشیده‌اند؛ مانند ناصر القفاری (قفاری، [بی‌تا]، ج ۳، ص ۹۱۲)، احسان الهی ظهیر (ظهیر، [بی‌تا]، ص ۳۵۹) و عبدالعزیز نور ولی (نور ولی، ۱۴۱۷، ص ۳۱).

۱۴۷



در اینجا مجالی برای پرداختن به این شخصیت ساختگی نیست (ر.ک: صفری فروشانی، ۱۳۷۸، ص ۷۱-۸۰). بدیهی است عقیده رجعت، آن‌گونه که شیعیان دوازده‌امامی آن را باور دارند، هیچ ارتباطی با شخصیت عبدالله بن سبا ندارد. علامه سیدمرتضی عسکری در جلد دوم کتاب خویش به نام عبدالله بن سبا، با جزئیات به بررسی این شخصیت می‌پردازد و ساختگی بودن او را اثبات می‌کند. یکی از منکران رجعت به ارتباط میان عقیده رجعت شیعیان و عبدالله بن سبا اشاره کرده و این‌گونه گفته است:

عقیده به رجعت که از سوی شیعیان دوازده‌امامی مطرح می‌شود، به‌گونه‌ای است که گویا توسط عبدالله بن سبا بیان شده است. هر چند عبدالله بن سبا تنها در مورد علی سخن گفته، در حالی که شیعیان درباره امام غایب به رجعت باور دارند. افزون‌براین شیعه دوازده‌امامی به این موضوع بسنده نکرده است که تنها امام غایب به رجعت باز خواهد گشت، بلکه براین باورند که دیگران نیز چه از بین شیعیان و چه از دیگر امامان و حتی به‌زعم آنها دشمنان‌شان نیز باز خواهند گشت. در این رابطه نقل قول‌های غیر مستندی هم وجود دارد (ظهیر، [بی‌تا]، ص ۳۵۹).

البته این بیان از ناآگاهی نویسنده از حقیقت رجعت نزد شیعه خبر می‌دهد.

در تفسیر روح‌المعانی اثر آلوسی اشاره شده است که نخستین کسی که به مفهوم رجعت باور داشت، عبدالله بن سبا بود. او معتقد بود رجعت فقط به پیامبر اکرم ﷺ اختصاص دارد. در سده دوم هجری، جابر جعفی این اعتقاد را پذیرفت و افزون بر پیامبر ﷺ، به رجعت علی ﷺ نیز ایمان آورد؛ هر چند زمانی برای آن تعیین نکرد. با ورود به قرن سوم هجری، شیعیان امامیه به رجعت همه امامان ﷺ باورمند شدند و زمان آن را هنگام ظهور حضرت مهدی ﷺ مشخص کردند.

باین حال آشکار است که از آیات قرآن کریم نمی‌توان نتیجه‌گیری مستقیمی درباره اثبات رجعت داشت؛ زیرا در آیات مورد اشاره، مفهوم حشر به هدف سرزنش دروغگویان آمده است. این‌گونه مضامین بیشتر با آیات مربوط به قیامت ارتباط دارند (آلوسی، ۱۴۱۵، ج ۲، ص ۲۶-۲۷). وی همچنین ذیل آیه شریفه طبق روش خود، شیعه را مورد هجوم قرار داده است و می‌نویسد: و برخی از شیعیان پنداشته‌اند آیه درباره علی - کرم‌الله وجهه - و امامان از فرزندان اوست و اینکه آیه از جمله ادله رجعت است که بیشتر شیعه قائل به آن هستند و قول به رجعت گمانی باطل است (همان، ص ۱۴۲).

آن‌گاه نتیجه می‌گیرد کسی که به معاد معتقد است، به رجعت اعتقاد نخواهد یافت.

### ۲-۳-۴. شبهات برگرفته از ادیات و آیین‌های غیرالهی

برخی مخالفان و منکران عقیده به رجعت، این شبهه را مطرح کرده‌اند که رجعت، ریشه در باورهای کهن یهود دارد. آنان منشأ این عقیده را حدیث معروف عزیر و به‌ویژه ماجرای هارون می‌دانند. پس از وفات هارون در بیابان، یهودیان ادعا کردند موسی او را از روی حسد کشته است؛ بنابراین کسانی که به هارون علاقه بیشتری داشتند، به رجعت وی ایمان آوردند و همواره منتظر بازگشت او بودند (شهرستانی، ۱۳۷۸، ج ۱، ص ۱۹۳).

برخی معاصران نیز این دیدگاه را با طرح ادعای دیگری بازگو کرده‌اند، مبنی بر اینکه اصل اندیشه رجعت، از یهود و مسیحیت اقتباس شده است. آنها بازگشت عزیر به دنیا پس از مرگ صدساله را به‌عنوان دلیلی برای این ادعا مطرح کرده‌اند (عیص، ۱۴۱۳، ص ۲۷). این تطبیق از نظر علمی باطل است؛ زیرا اگرچه یهودیان به بازگشت برخی افراد در آخرالزمان معتقدند، صرف همانندی یا نزدیکی دو عقیده به یکدیگر، دلیلی بر اقتباس یکی از دیگری یا بطلان آنها نمی‌شود. تطابق مفهومی میان باورهای مذهبی گوناگون، به معنای تقلید یا اقتباس مستقیم نیست، بلکه می‌تواند به‌واسطه تطورات فرهنگی و تاریخی، شباهت‌هایی یابند که باید با نگاهی عمیق‌تر تحلیل شوند.

### الف) شبهات برگرفته از پندارهای عرب جاهلیت

برخی منکران رجعت با طرح این شبهه که رجعت، اصالت اسلامی ندارد، بستر پیدایش آن را گمانه‌های عرب‌های جاهلیت دانسته‌اند؛ از جمله نخستین کسانی که این دیدگاه ناروا درباره خاستگاه رجعت را ارائه داده است، ابن‌اثیر در کتاب **النهایه** می‌باشد. او این باور را به «یک‌بار بازگشت» تعبیر می‌کند و ادعا کرده است که ریشه آن به باورهای عرب جاهلیت برمی‌گردد (ابن‌اثیر، ۱۳۶۷، ج ۲، ص ۲۰۱). پس از وی افرادی دیگر بدون بررسی دقیق، این اظهارنظر را تکرار کرده‌اند.

در برخی منابع دیگر نوشته شده است:

معنای رجعت، بازگشت به دنیا پس از مرگ است و این اثر اشاره می‌کند که این باور مربوط به برخی قبایل عرب در دوران جاهلیت بوده و نزد آنها شناخته شده است (قفاری، ۱۴۱۴، ج ۳، ص ۹۱۱).

باین حال در این ادعا جزئیاتی درباره نحوه باور عرب جاهلی به رجعت ارائه نشده است تا بتوان با هم‌سنجی دقیق، این نسبت را به‌طور علمی تحلیل و تأیید یا رد کرد. بدون آگاهی‌های دقیق درباره باورهای عرب جاهلی، هرگونه نتیجه‌گیری ممکن است به دور از واقعیت باشد و نیاز به تحقیق بیشتر و مستند دارد.

### ب) شبهات برگرفته از باورهای زرتشتیان

در مباحث مربوطه اشاره شده است که یکی از باورهای مشترک میان شیعه امامیه و ایرانیان زرتشتی، آموزه رجعت و زندگی مجدد برخی انسان‌ها پیش از رستاخیز فراگیر است. این همانندی سبب شده است برخی این شبهه را مطرح کنند که باورهای شیعی از جمله اعتقاد به رجعت، تحت تأثیر آموزه‌های ایران باستان قرار گرفته است (ر.ک: دارمستر، ۱۳۱۷، ص ۱۳-۱۴).

این ادعا و مانند آن، که از سوی شماری از خاورشناسان و برخی ایران باستان‌گرایان بدون استناد به شواهد قابل قبول مطرح شده است، کمتر مورد تحلیل و بررسی دقیق سندی و تاریخی توسط تاریخ‌نگاران و نقد محتوایی از سوی متکلمان قرار گرفته است. حال آنکه تحلیل‌های متکلمان می‌تواند پرسش‌ها و نقدهای جدی را در برابر این ادعاها مطرح کند؛ زیرا چنین برخوردی می‌تواند به‌روشنی مبانی نظری و محتوایی این باورها را به بوته آزمایش و ارزیابی بگذارد.

### ج) شبهات برگرفته از پنداره‌های مصریان باستان

یکی دیگر از گونه‌های شبهات مطرح‌شده در این باره ریشه‌گرفتن باور شیعیان به رجعت از باورهای - یا به بیان دقیق‌تر، پندارها و گمانه‌های - مصر باستان است. محمدبن عمر فخر رازی در تفسیر مفاتیح‌الغیب، در شرح آیات ۳۸-۴۳ سوره قصص، با استناد به شواهد تاریخی و باستان‌شناسی مصر از جمله کتیبه‌های معابد و اهرام، به وجود اعتقاد به رجعت و رستاخیز در میان مصریان باستان اشاره می‌کند. وی باین حال توضیح می‌دهد که در آیه مورد بحث، تشبیه وضعیت مصریان باستان در پیروی از شهوات و غفلت از آخرت مدنظر است، نه بازگشت به زندگی پس از مرگ (فخر رازی، ۱۴۲۰، ج ۲، ص ۶۶۰، پاورقی ۲).

گونه دیگری از شبهات رجعت را در ادعای ساخته شدن اعتقاد به رجعت به سبب محرومیت‌های اجتماعی و نرسیدن به آمال و آرزوها می‌توان دانست. اینان با این توضیح که کسانی که در زندگی دنیایی نتوانستند به اهداف خود برسند، باوری را اختراع کردند تا در دوره‌ای دوباره به زندگی برگردند و به آن اهداف برسند، این شبه را مطرح کردند؛ دقیقاً همانند آنچه منکران معاد مطرح کرده‌اند که بهشت ساخته ذهن کسانی است که در دنیا به لذت‌های مورد نظر دست نیافته‌اند. یکی از منکران رجعت در میان شیعیان امامیه معاصر که این شبهه را مطرح کرده است، محمدجواد مشکور، خواهرزاده شریعت سنگلجی - از مخالفان سرسخت رجعت - است (جعفریان، ۱۳۸۳، ص ۸۱۰). وی در جایی تأکید کرده است که باید دانست مسئله رجعت، نه از ضروریات دین اسلام است و نه از اصول و ضروریات مذهب شیعه، بلکه اعتقادی است که در میان مردم محروم شیعه، به امید روزگار بهتری به وجود آمده است و این اعتقاد پیش از این نیز در میان قوم یهود و زردشتیان و نصاری وجود داشت؛ چنان‌که یهودیان معتقدند ایلای نبی به آسمان رفت و سرانجام به زمین بازمی‌گردد و دین را در جهان برپا می‌دارد. در ادیان برهمنی و هندی نیز همانند چنین عقیده‌ای دیده می‌شود (مشکور، ۱۳۸۶، ص ۱۱۱).

وی آنگاه به تأسی از دایی خود (شریعت سنگلجی)، برخی روایات را که در ردّ و انکار رجعت با امامان معصوم<sup>علیهم‌السلام</sup> نسبت داده شده است، نقل می‌کند.

شگفت‌آور اینکه بحث از رجعت را با بیان این نکته به پایان می‌برد که هنوز در آسیای مرکزی گروهی از مسلمانان منتظر بازگشت قثم بن عباس عموزاده پیامبرند که در لشکرکشی‌های اسلام در سال ۵۷ قمری در سمرقند کشته شد و مزارش تاکنون در سمرقند به شاه زنده معروف است. آنان بر عقیده رجعت در انتظار ظهور او هستند و وی را شاه زنده می‌خوانند (همان، ص ۱۱۲).

### نتیجه

پژوهش حاضر با هدف گونه‌شناسی شبهات مطرح در مورد موضوع رجعت، به بررسی و تحلیل دسته‌های گوناگون این شبهات پرداخت. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد شبهات رجعت را به سه دسته کلی می‌توان تقسیم کرد: شبهات عقلی، شبهات نقلی و شبهات تاریخی - فرهنگی.

۱. شبهات عقلی: این دسته از شبهات با استدلال‌هایی مبتنی بر اصول عقلی، رجعت را ناممکن می‌دانند. هسته اصلی این شبهات، مسئله «بازگشت از فعلیت به قوه» است. منکران رجعت استدلال می‌کنند که انسان پس از مرگ و ورود به عالم برزخ، به کمال می‌رسد و بازگشت او

به دنیای مادی، مستلزم بازگشت از فعلیت به قوه می‌باشد که از منظر عقل، محال است. بررسی این شبهات نشان می‌دهد منشأ آن، درک نادرست از ماهیت رجعت و خلط آن با مفهوم تناسخ است، درحالی‌که رجعت، بازگشتی در مسیر تکامل انسان و در چهارچوب معاد است، نه بازگشت قهقریایی به حالت پیش از مرگ. پاسخ‌های ارائه‌شده توسط متفکران شیعه همچون علامه طباطبائی<sup>۱</sup>، به‌خوبی این ابهام را برطرف می‌سازد و نشان می‌دهد که شبهات مذکور بیشتر ناشی از عدم تعمق در مباحث فلسفی است.

۲. **شبهات نقلی:** این دسته از شبهات با استناد به آیات قرآن کریم و روایات، رجعت را مخالف آموزه‌های اسلامی معرفی می‌کنند. این شبهات به زیرگروه‌هایی تقسیم می‌شوند:

الف) تناقض با آیات قرآنی: مخالفان با استناد به آیاتی که بازگشت مردگان به دنیا را نفی می‌کنند، رجعت را باطل می‌دانند. آنها آیاتی مانند آیه ۳۱ سوره یس و آیات ۹۵-۹۶ سوره انبیاء را به‌عنوان دلیل ردّ رجعت مطرح کرده‌اند.

۱۵۱



ب) نبود دلایل قوی روایی: منکران با طرح شبهه در سند روایات رجعت و تضعیف اعتبار آن، سعی در ابطال این باور دارند. آنها ادعا می‌کنند بسیاری از روایات رجعت ضعیف، مرسل یا ازسوی غلات نقل شده است.

۳. **شبهات تاریخی - فرهنگی:** این دسته از شبهات با استناد به منابع تاریخی و فرهنگی، می‌کوشند ریشه‌های عقیده به رجعت را به باورهای غیراسلامی مرتبط سازند و بدین ترتیب اصالت اسلامی این عقیده را زیرسؤال ببرند. این شبهات شامل موارد ذیل است:

الف) ساختگی بودن رجعت: برخی منکران با نسبت‌دادن عقیده رجعت به عبدالله بن سبا - شخصیت جنجالی و مورد اختلاف - سعی در بی‌اعتبار کردن این باور دارند. آنها ادعا می‌کنند این عقیده ازسوی این شخصیت یهودی‌الأصل مطرح شده است.

ب) شبهات برگرفته از ادیان و آیین‌های غیرالهی: برخی منکران مدعی‌اند رجعت، از باورهای کهن یهود، پندارهای عرب جاهلیت، زرتشتیان یا مصریان باستان اقتباس شده است. آنها بازگشت عزیر و ماجرای هارون در میان یهودیان، یا عقاید برخی قبایل عرب در دوران جاهلیت، یا باورهای زرتشتیان به زندگی مجدد، یا باورهای مصریان باستان به رستاخیز را به‌عنوان شاهد مثال مطرح می‌کنند.

درنهایت پژوهش حاضر نشان می‌دهد که گونه‌شناسی شبهات، گامی ضروری برای پاسخ‌گویی دقیق و جامع به آنهاست و می‌تواند به درک بهتر و عمیق‌تر موضوعات اعتقادی کمک کند.

## منابع

- \* قرآن کریم.
- \*\* نهج البلاغه.
۱. آلوسی، محمود بن عبداللّه؛ روح المعانی؛ ج ۲ و ۱۴، بیروت: دار إحياء التراث العربی، ۱۴۱۵ق.
  ۲. ابن اثیر، مبارک بن محمد؛ النهاية فی غریب الحديث والأثر؛ قم: اسماعیلیان، ۱۳۶۷.
  ۳. ابن بابویه، محمد بن علی؛ من لایحضره الفقیه؛ ج ۳، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۲ق.
  ۴. امین، احمد؛ فجر الإسلام؛ قاهره: مؤسسة هنداوی للتعلیم والثقافة، ۲۰۱۲م.
  ۵. برقی، سید ابوالفضل؛ عرض اخبار اصول بر قرآن و عقول: تهران: کتابخانه قلم، [بی تا].
  ۶. برنجکار، رضا؛ «پیشگویی رجعت در آخر الزمان در تورات، انجیل و قرآن»، فلسفه دین؛ ش ۸، پاییز ۱۳۸۹، ص ۹۵-۱۳۱.
  ۷. بهمنی، اصغر؛ پاسخ به شبهات رجعت؛ ج ۲، قم: انتشارات زائر، ۱۳۹۴.
  ۸. جزری، ابن اثیر؛ النهاية فی غریب الحديث والأثر؛ قم: مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان، ۱۳۶۷.
  ۹. جعفریان، رسول؛ جریانها و سازمانهای مذهبی سیاسی ایران؛ تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۳.
  ۱۰. جمعی از علما؛ الفتاوی الهندیة؛ برئاسة نظام الدين البلخي؛ بیروت: دارالفکر، ۱۳۱۰ق.
  ۱۱. جوهری، ابونصر اسماعیل بن حماد؛ الصحاح؛ بیروت: دارالعلم للملایین، ۱۳۷۶ق.
  ۱۲. حرّ عاملی، محمد بن حسن؛ الإیقاظ من الهجعة بالبرهان علی الرجعة؛ ترجمه احمد جنتی، تصحیح سید هاشم رسولی محلاتی؛ قم: دارالکتب العلمیه، ۱۳۶۲.
  ۱۳. حیدر زیدی، سید نسیم؛ «پیشینه رجعت نگاری در شیعه و تحلیل کمیت و کیفیت آن»، سخن تاریخ؛ ش ۲۰، پاییز و زمستان ۱۳۹۳، ص ۷۷-۱۰۰.
  ۱۴. دار مستتر، جیمز؛ مهدی از صدر اسلام تا قرن سیزده؛ ترجمه محسن جهانسوز؛ تهران: انتشارات چاپ رنگین، ۱۳۱۷ق.
  ۱۵. دینوری، ابومحمد؛ المعارف؛ بیروت: دار إحياء التراث العربی، ۱۳۹۰ق.
  ۱۶. راغب اصفهانی، حسین بن محمد؛ مفردات ألفاظ القرآن؛ بیروت: دارالشامیه، ۱۴۱۶ق.
  ۱۷. رضوی، رسول و احمد جمشیدیان؛ «نقد ادعای تأثیر پذیری اعتقاد امامیه درباره ویژگیهای

- امامان از باورهای ایرانیان باستان»، فصلنامه علمی - پژوهشی کلام اسلامی؛ ش ۹۲، اسفند ۱۳۹۳، ص ۷۷-۹۸.
۱۸. رکنی لموکی، محمدتقی؛ «بررسی شبهات رجعت و تناسخ»، آیین حکمت؛ ش ۳۷، پاییز ۱۳۹۷، ص ۶۱-۸۴.
۱۹. زمخشری، محمودبن عمر؛ الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل؛ ج ۱ و ۴؛ بیروت: دارالکتاب العربی، ۱۴۰۷ق.
۲۰. سلیمیان، خدامراد؛ «تحلیل مفهوم شناختی رجعت از نگاه لغت و اصطلاح»، مدیریت دانش اسلامی؛ ش ۱، بهار و تابستان ۱۴۰۱، ص ۸۰-۱۰۳.
۲۱. شهرستانی، عبدالکریم بن محمد؛ الملل والنحل؛ ج ۱، تهران: مؤسسه الصادق علیه السلام للطباعة والنشر، ۱۳۸۷.
۲۲. صفری فروشانی، نعمت‌الله؛ غالبان؛ مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۳۷۸.
۲۳. طباطبایی، سیدمحمدحسین؛ المیزان فی تفسیرالقرآن؛ ج ۱ و ۱۵، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۳۶۵.
۲۴. طبسی نجفی، محمدرضا؛ شیعه و رجعت؛ ترجمه سیدمحمد میرشاه ولد؛ تهران: نشر جمهوری، ۱۳۸۴.
۲۵. طریحی، فخرالدین؛ مجمع البحرین؛ تهران: انتشارات مرتضوی، [بی تا].
۲۶. ظهیر، احسان الهی؛ الشیعة والسنة؛ مصر: دارالأنصار، [بی تا].
۲۷. عقیلی، محمودبن عمرو بن موسی بن حماد؛ الضعفاء العقیلی؛ ج ۱ و ۴، بیروت: دارالکتب العلمیه، [بی تا].
۲۸. عیص، زید؛ الخمینی والوجه الآخر فی ضوء الكتاب والسنة؛ قاهره: دارالیقین للنشر والتوزیع، ۱۴۱۳ق.
۲۹. فخر رازی، محمد؛ التفسیر الکبیر (مفاتیح الغیب)؛ بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۰ق.
۳۰. فراهیدی، خلیل بن احمد؛ العین؛ قم: انتشارات اسوه، ۱۴۱۴ق.
۳۱. فرید تنکابنی، عبدالوهاب؛ اسلام و رجعت؛ تهران: چاپخانه دانش، [بی تا].
۳۲. قشیری، مسلم بن حجاج؛ صحیح مسلم؛ تحقیق محمدفؤاد عبدالباقی؛ بیروت: دارالفکر، ۱۳۹۸ق.
۳۳. قفاری، ناصر؛ أصول مذهب الشیعة الإمامیة الاثنی عشریة (عرض و نقد)؛ [بی جا]: دارالنشر، ۱۴۱۴ق.

۳۴. مال الله، محمد؛ الشيعة و تحريف القرآن؛ رياض: مكتبة ابن تيمية، ۱۴۰۹ق.
۳۵. مجلسي، محمدباقر؛ بحار الأنوار؛ ج ۵۳ و ۵۸، بيروت: مؤسسة الوفاء، ۱۴۰۴ق.
۳۶. مشکور، محمدجواد؛ تاريخ شيعة و فرقه های اسلام؛ تهران: انتشارات اشراقی، ۱۳۸۶.
۳۷. مظفر، محمدرضا؛ عقائد الإمامية؛ قم: انتشارات انصاريان، ۱۳۸۷.
۳۸. معين، محمد؛ فرهنگ معين؛ تهران: زرین، ۱۳۸۶.
۳۹. مفيد، محمدبن محمد؛ أوائل المقالات؛ بيروت: دارالمفيد للطباعة والنشر والتوزيع، ۱۴۱۴ق.
۴۰. مكارم شيرازي، ناصر و ديگران؛ تفسير نمونه؛ ج ۱۵، قم: دارالكتب الإسلامية، ۱۳۶۲.
۴۱. نور ولي، عبدالعزيز محمد؛ اثرا الشيع على الروايات التاريخية في القرن الأول الهجري؛ مدینه: دارالخضيري، ۱۴۱۷ق.